



بررسی مبانی دادرسی بدون خشونت در فقه امامیه

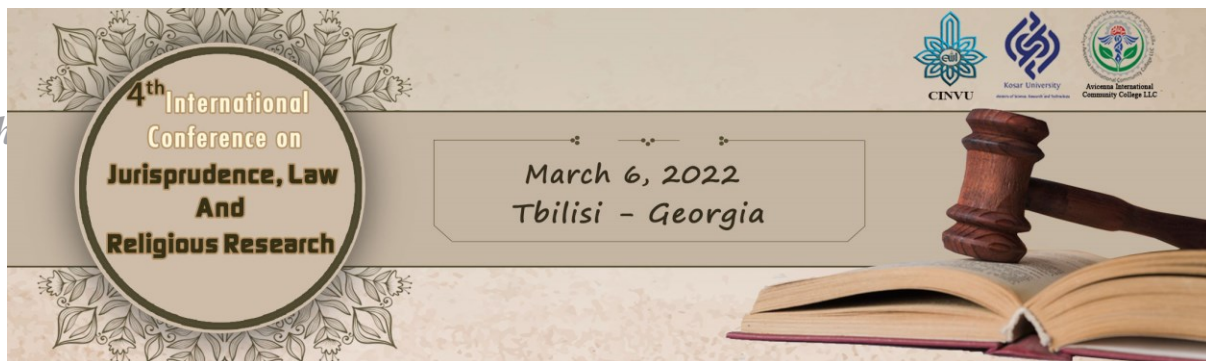
فاطمه منظمی^۱

۱- نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه سمنان

چکیده

دادرسی از موضوعاتی است که قدمتی پیشینه دارد و در هر فرهنگی معنای نسبتاً یکسانی را به خود اختصاص داده است. دادرسی عاری از خشونت از جمله موضوعاتی است که امروزه در بعد بین‌المللی و کنوانسیون‌ها مطرح می‌شود چرا که خشونت در یک دادرسی و نظام حکومتی برخلاف عدالت است. این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی در پی اثبات این موضوع است که در نظام دادرسی اسلام، بالأخص فقه امامیه هیچ‌گونه دلیل و مبنایی بنا بر اعمال خشونت، آن‌گونه که برخی پنداشته‌اند که اعمال خشونت از الزامات سیاست و کشورداری است و با این مبنا خشونت در دادرسی اسلامی راه دارد، نیست. در همین راستا، در این نوشتار، عدم خشونت از مرحله تحقیقات مقدماتی تا اجرای مجازات، بررسی شده است. در نهایت، اثبات می‌کند در فقه امامیه عدم خشونت و داد ورزی یکی از اهداف مهم دادرسی است.

واژگان کلیدی: فقه امامیه، خشونت، دادرسی، مجازات، تحقیقات مقدماتی



مقدمه

خشونت در دادرسی از اولین مراحل دادرسی یعنی در روند کشف جرم و شناسایی مجرم آغاز می‌شود و تا پایانی‌ترین مراحل اجرای مجازات نیز ادامه دارد. از گذشته به دلیل آنکه افرادی که در این پروسه قرار می‌گرفتند متهم، مجرم یا افراد مرتبط با آن‌ها بودند و انزجار از عمل ارتكابی که وجود داشت، این خشونت دیده می‌شد و در برخی اوقات قدرتمندان با سوءاستفاده از قدرت و برای حفظ قدرت خود، مستبدانه به این اعمال روی می‌آوردند. این خشونت در جرائم امنیتی که علیه حکومت‌ها بوده یا در زمان جنگ‌ها، در بیش‌ترین حد خود به چشم می‌خورد. این خشونت‌ها معمولاً در قالب شکنجه فرد رخ می‌دهد اما باید گفت تنها مصداق این موضوع، شکنجه نیست بلکه هر رفتار خشن و ناپسند روحی یا جسمی و زبانی حتی اگر به درجه شکنجه نیز نرسد شامل این موضوع می‌شود. اهمیت این موضوع زمانی پدیدار می‌شود که اولاً عدم رعایت آن یکی از معیارهای اصلی حکومت صالح، یعنی عدالت خدشه وارد می‌کند، به این بیان که عقلاً، حکومتی که حقوق چنین افرادی را که در آن زمان امکان دفاع از خود در برابر چنین اعمالی را ندارد، صالح نمی‌داند و همچنین، این مهم از جمله حقوق شهروندی نیز هست که افراد اطمینان داشته باشند بدون اثبات جرم، مورد رفتار خشن قرار نگیرند و مجرم نیز در اجرای مجازات، بیش از آنچه مستحق آن است را تحمل نکند. پژوهش حاضر جواز این‌گونه خشونت‌ها، از کمترین حد تا بیش‌ترین حد آن در زمان دادرسی در فقه امامیه را بررسی خواهد کرد.

روش تحقیق

این نوشتار بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر استنتاج منطقی نگاشته شده است.

۱. بررسی مفاهیم

در ادامه به بررسی مفاهیم اصلی در این پژوهش می‌پردازیم.

۱-۱. خشونت

خشونت در لغت به معنای درشتی و زبری، ضد لینت و نرمی، خلاف نعومت، سختی، تندی و تیزی (دهخدا، ۱۳۷۳) دانسته شده است. در اصطلاح، به معنای اقدام علیه جسم و جان، شرف، مال و حقوق افراد، به طوری که ایجاد ترس نماید و این، شامل اقدام فیزیکی؛ مانند ضرب و جرح و قتل و همچنین اقدام معنوی که شامل توهین و تهدید می‌شود.



بعلاوه اقدامات قانونی و غیرقانونی که دارای این خصوصیات است از آن جهت که اقدام علیه افراد بوده و در آنان ایجاد ترس می نماید می توانند از مصادیق لغوی «خشونت» باشند. (رضوانی، ۱۳۶۸)

همچنین یکی از تعاریف بین المللی در مورد شکنجه در کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه چنین آمده است: ((ایراد عمدی هر گونه درد و یا رنج شدید بدنی یا روحی به یک شخص از جانب مأمور رسمی دولت و یا کسی که در سمتی رسمی عمل می کند، و یا به تحریک یا اجازه و یا سکوت او به منظور اخذ اطلاعات و یا اقرار شخص و یا شخص ثالث و یا به هر دلیلی که مبتنی بر هر گونه تبعیض باشد. درد و یا رنجی که از مجازات های قانونی ناشی می شود و یا جزء لاینفک و یا لازمه آنها است از شمول این تعریف خارج است.)) (راعی، ۱۳۸۱)

۲-۱.۱ دادرسی

دادرسی در لغت به معنای عمل دادرس، قضاء، محاکمه، دیوان دادرسی داری، دیوان محاکمات مالیه (دهخدا، ۱۳۷۳) به داد مظلوم رسیدن، رسیدگی به دادخواهی دادخواه، محاکمه است (معین، ۱۳۸۷).

در اصطلاح، دادرسی به مفهوم اعم، رسیدگی مرجع قضائتی به درخواست متقاضی برای صدور رأی با لحاظ پاسخی است که طرف مقابل عندالاقضا مطرح می نماید. بنابراین دادرسی شامل دسته ای از اعمال می شود که در برهه زمانی مشخصی انجام و از درخواست شروع شده و تا صدور رأی ادامه می یابد. این تعریف افزون بر این که بر هر مرحله از دادرسی (اعم از نخستین و تجدیدنظر) مصداق دارد شامل تمام رسیدگی هایی نیز می شود که از ابتدای اقدام درخواست کننده شروع شده و تا صدور رأی ادامه می یابد و تمامی انواع دادرسی از معمولی و ویژه را در برمی گیرد. (شمس، ۱۳۹۵)

۲. تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی عبارت است از مجموعه اقدامات و تحقیقاتی که از سوی ضابطان دادگستری رأساً یا به دستور و حسب ارجاع مقامات قضایی و یا از سوی قضات تحقیق و نیز سایر مقامات صالح قضایی به منظور تسهیل و تمهید دلایل، اعم از دلایل اثبات جرم و دلایل مفید به حال متهم با توجه به اصل برائت صورت می پذیرد و هدف اصلی آن آماده سازی پرونده و تسهیل و تسریع رسیدگی در دادگاه است.

در طول روند کشف جرم و بازجویی ممکن است متهم یا افراد وابسته به او مورد خشونت قرار گیرند، به این بیان که در این روند برای آگاهی از افرادی که این جرم را انجام داده اند ممکن است برخی افراد مورد رفتارهای خشونت آمیز قرار گیرند که حتی ارتباطی با جرم مزبور نداشته و ممکن است هیچ آگاهی از روند آن نیز نداشته باشند و حتی شکنجه افراد



بی گناه ممکن است دستمایه آزار متهمین شود، این مورد، یکی از مواردی است که شکنجه در جوامع مختلف استفاده می‌شده.

رفتار خشونت‌آمیز اعم از رفتار فیزیکی یا زبانی با چنین فردی در اسلام به صورت واضح نهی شده و بنا بر تعالیم فقه امامیه و روایات وارد شده کسی حق ندارد به شخص بی‌گناهی بدون جهت موجهی صدمه وارد کند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶) چراکه یکی از مصادیق مسلم ظلم خشونت با افرادی است که هنوز جرم آن‌ها نیز به اثبات نرسیده. افزون بر این، تنها از این کار نهی نشده بلکه ضمانت اجرای این اعمال نیز مشخص است و شخص خاطی باید پرداخت‌کننده دیه یا قصاص باشد و همین‌طور در آزار زبانی حد قذف وجود دارد.

۱-۲. بررسی ادله:

الف: روایت علی عن ابیه عن النوفلی عن السکونی عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله: ان ابغض الناس الی الله عزوجل رجل جرد ظهر مسلم بغير حق (سکونی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که پیا مبر (ص) فرمودند: مبغوض‌ترین مردم در نزد خدا کسی است که پشت مسلمان را (برای زدن) به ناحق برهنه کند (الحر العاملی، ۱۳۶۷)

این روایت به صورت واضح بر این موضوع دلالت دارد که تا زمانی که جرم فرد اثبات نشده است نمی‌توان او را مجازات کرد اعم از مجازات بدنی، مالی، حبس و ...، و هرگونه مجازات پیش از اثبات جرم مصداق خشونت است.

ب: صلی الله علیه و آله : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعَذِّبُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُعَذِّبُونَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا. (المتقی الهندی، ۱۴۳۱)

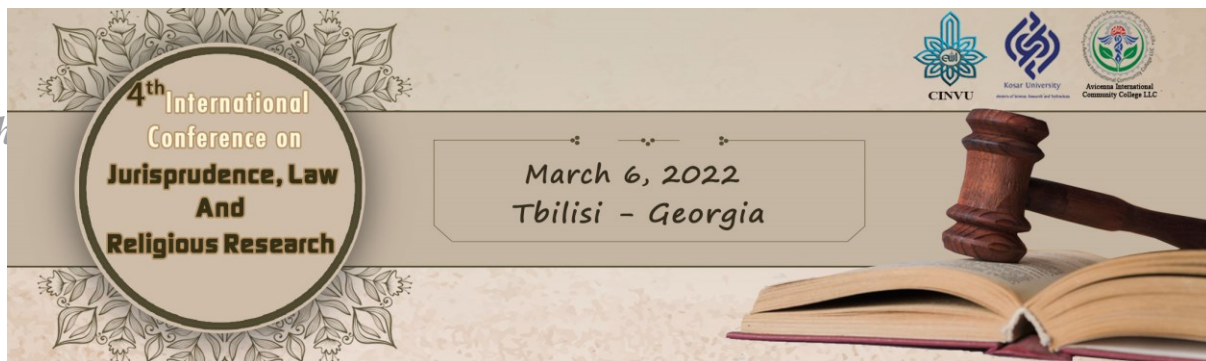
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عزّ و جلّ کسانی را که در دنیا مردم را عذاب می‌دهند روز قیامت عذاب می‌کند.

در این روایت هرگونه خشونت که باعث عذاب و ظلم به مردم در دنیا شود را حرام و از گناهان می‌شمارد. این حرمت بیانگر ممنوعیت هرگونه تعذیب است.

ج: در خطبه ۱۶۷ امیرالمؤمنین در نهج البلاغه، آمده است:

.... فَضَّلَ حَرَمَةَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْحَرَمِ كُلِّهَا وَ شَدَّ بِالْإِخْلَاصِ وَ التَّوْحِيدِ حُقُوقَ الْمُسْلِمِينَ فِي مَعَاقِدِهَا فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَحِلُّ أَدَى الْمُسْلِمِ إِلَّا بِمَا يَجِبُ.

خداوند احترام مسلمان را از تمام آنچه محترم است برتر شمرده و حفظ حقوق مسلمین را با اخلاص و توحید پیوند زده و تضمین کرده است؛ مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند؛ جز در آن جا که حق اقتضا می‌کند؛ آزار دادن مسلمان روا نیست جز به آن مقدار که (به حکم خدا) واجب می‌شود. این نتیجه‌گیری امام (علیه السلام) نشان می‌دهد هنگامی که حفظ حقوق مسلمین را نشانه اخلاص و توحید حفظ‌کنندگان بدانیم، نتیجه‌اش چنین می‌شود: مسلمان کسی است که همه مسلمین از دست و زبان او در امان باشند. قابل توجه این که در تعبیر مذکور یک‌بار «الا بالحق»



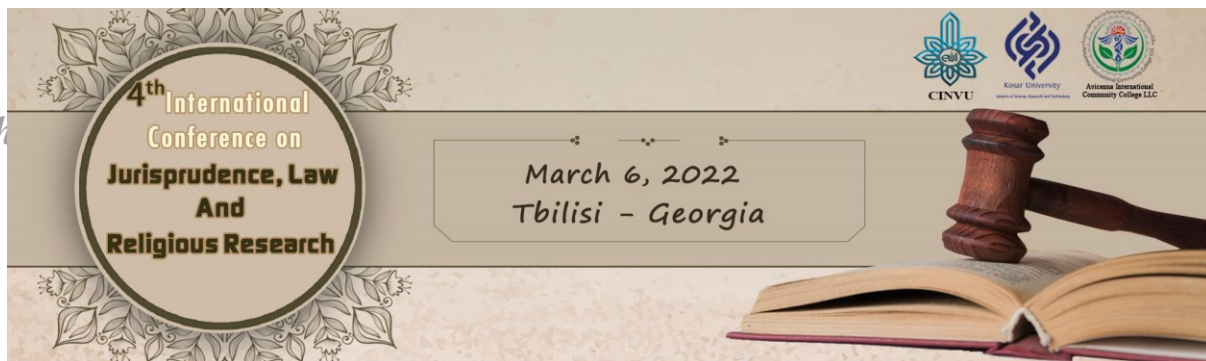
می‌گوید و بار دیگر «الا بما يجب» این تفاوت در تعبیر ممکن است از این نظر باشد که اولی اشاره به این است که تا مجوزی برای آزار مسلمان (مانند مجازات و حدود و تعزیرات اسلامی) وجود نداشته باشد آزار دادن او جایز نیست و دومی اشاره به این است که در فرض جواز باید به آن مقدار از نظر کیفیت و کمیت که خداوند اجازه داده اکتفا شود. همین طور بایان دست و زبان امام علیه‌السلام که آزار و اذیت تنها رفتار فیزیکی و ضربه زدن به فرد نیست بلکه شخص ممکن است با زبان موجب آزار فرد را فراهم آورد در نتیجه هرگونه خشونت، اعم از کلامی یا فیزیکی در فردی که جرم اثبات نشده جایز نیست و تنها پس از اثبات جرم با کیفیت بیان شده اجازه مجازات فرد وجود دارد.

۳. اقرار با خشونت

در این مورد فرد تنها برای آگاهی بیشتر از روند جرم مورد خشونت قرار نمی‌گیرد بلکه افرادی که متهم هستند برای اقرار به جرم ارتكابی مورد خشونت و بعضاً شکنجه قرار می‌گیرند. در این مورد ممکن است فرد اقرار به جرم نماید در صورتی که بی‌گناه است و ممکن است فرد مجرم اقرار به جرم نماید اما این اقرار از راه درستی گرفته نشده است. در اینجا دو مسئله ضمن این موضوع مطرح می‌شود، آیا شکنجه فرد با گمان به مجرم بودن و متهم بودن او جایز است؟ همچنین آیا چنین اقراری مورد قبول است یا خیر؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت در فقه امامیه باب مجزایی در مورد عدم خشونت یا عدم شکنجه کردن در کتب متأخر نیست و تنها در برخی کتب متقدم عدم جواز ضرب و شتم متهم آمده است. (تهرانی، ۱۴۱۸) در نتیجه فقه امامیه اجازه هیچ‌گونه رفتار خشونت‌آمیزی با افراد به بهانه‌ی بازجویی، اتهام، وابستگی با متهم نمی‌دهد برخلاف برخی که در سایر مذاهب چنین چیزی را از ملازمات حکومت و اجرایی آن را وظیفه حاکم شهر دانسته‌اند. (ابن عابدین، ۱۴۱۵؛ ابن روزبهان، ۱۳۶۲) برخی در پاسخ به این دیدگاه آورده‌اند «بگذار کشف نشود! وقتی خداوند می‌گوید انسان بدون جرم نمی‌تواند کسی را تعذیب کند، جایز نیست شخص بی‌گناهی را تازیانه بزند، و یا به انواع شکنجه‌ها او را مبتلا کند تا مطلب منکشف شود. اسلام راه انکشاف بدین طریق را بسته است و راه‌های دیگر را تجویز نموده است؛ از هر راهی که میسر خواهد شد. از راه شکنجه و تعذیب نمی‌توان کشف حقیقت نمود.

اگر هم حقیقت ثابت شود حجیت ندارد؛ چون قرار و اعتراف بر اساس شکنجه ملغی است. شخص بی‌گناهی را نمی‌توان شکنجه و تعذیب نمود، تا اینکه منکشف شود: آیا این متهم مجرم است یا مجرم نیست؟! و چنانچه گفته شود: اگر بقاء اسلام متوقف بر این امر باشد موجب جواز است؛ جواب داده می‌شود: کدام اسلام؟! اسلامی که با این ضوابط که از جمله مقدمات آن تعذیب افراد میراً و پاکی که حاکم نسبت به آن‌ها سوءظن پیدا کرده و آن‌ها را شکنجه می‌دهد بخواهد قوام یابد، مورد نظر رسول خدا نخواهد بود» (تهرانی، ۱۴۱۸)



از سوی دیگر، با وجود آنکه در کتب فقهی باب مجزایی در این مورد نیامده است اما در جای جای کتب و احادیث شیعه در حرمت ظلم احکام بسیاری آمده است. (نجفی، ۱۳۶۲؛ کتاب المناهل، بی تا؛ الأنصاری، ۱۴۱۵؛ اگلاپایگانی، ۱۴۱۲؛ منتظری، (بی تا)؛ مومن قمی، ۱۴۲۲)

خشونت که شامل خشونت زبانی یا فیزیکی می شود یکی از مصادیق بارز ظلم است. اگر کسی متهم به عملی مجرمانه نیز باشد هیچ جواز فقهی برای خشونت با چنین فردی نیست.

اما حق آزادی شخصی این است که افراد در زندگی شخصی خود آزادند و مورد تعقیب و تهدید واقع نمی شوند و کسی را به مجرد اتهام نمی توان گرفت و به زندان انداخت، یا اینکه مجازات کرد. و تا هنگامی که جرم در نزد حاکم به ثبوت نرسد اجراء حد و تعزیر جایز نیست. (تهرانی، ۱۴۱۸)

در برخی کتب فقهی در پاسخ به پرسش دوم عبارات نسبتاً یکسانی را بیان کرده اند و در ضمن آن چنین اقراری را معتبر نمی دانند و کسی که به موجب ضرب و شتم یا اگره اقرار کرده باشد مجازات نمی شود. طوسی، ۴۰۰؛ ابن ادریس الحللی، ۱۴۱۰؛ مروارید، ۱۴۱۰)

۳-۱. دلیل:

در روایتی عن امیر المؤمنین (علیه السلام) آنه قال: «من أقرَّ بحدِّ علی تخويف أو حبس أو ضرب، لم یجز ذلك علیه و لم یحدِّ». (نوری، ۱۳۶۵؛ نعمان مغربی، ۱۳۸۵)

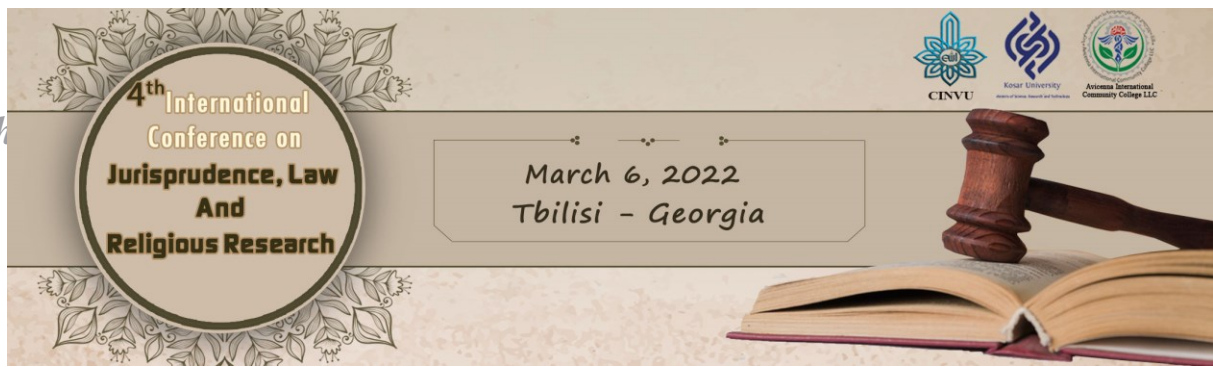
اطلاق روایت بیانگر این مطلب است اعتراف و اقرار تحت شکنجه، بی فایده است و هیچ اثر شرعی ندارد، و هیچ جرمی را نمی تواند برای شخص به اثبات رساند.

۴. اجرای مجازات

در اجرای مجازات اسلامی نیز در فقه امامیه اجازه کوچکترین رفتار خشونت باری که لازمه مجازات مقرر نباشد، به سهو یا عمد را به مجری قانون نمی دهد و به هر شکلی فرد مجرم به بیش از استحقاق خود مجازات شود قابل قصاص است. امام خمینی، ۱۴۲۵؛ مرعشی نجفی، ۱۴۲۴؛ کاشانی، ۱۴۱۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳؛ بهجت، ۱۴۲۶)

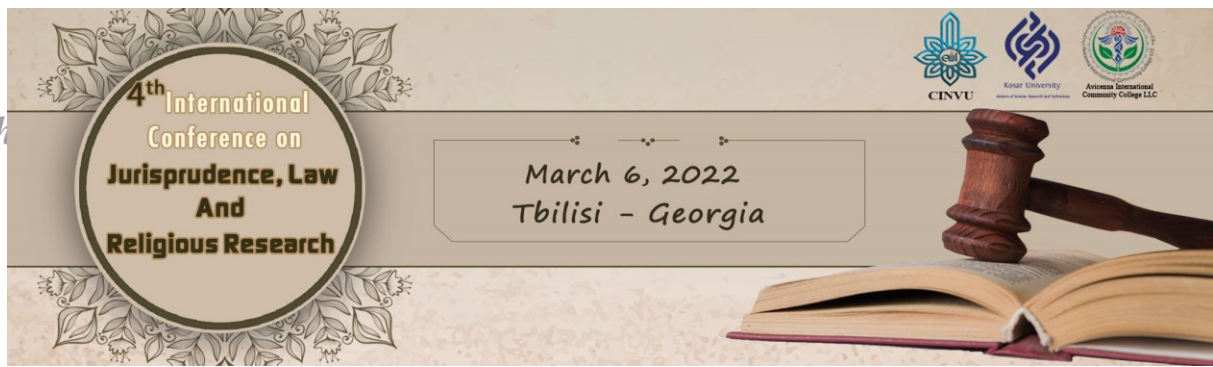
چرا که همانطور که در کنوانسیون هم بیان شده بود اگر رفتار خشونت باری لازمه مجازات باشد، در همان حد انجام می گردد اما هر رفتاری بیش از آن نابخشودنی است.

این رفتار شامل هرگونه مواردی که شخص را مورد اذیت بیش از مجازات مقرر قرار دهد می شود، اعم از خشونت زبانی یا فیزیکی یا حتی محل نگهداری نامناسب یا غذای ناکافی و ... حتی در برخی موارد شخص را در سلولهایی با چراغهای که بیست و چهار ساعت روشن است قرار می دهند و پس از مدتی به دلیل اختلال خواب و چراغها، شخص دچار بیماری می گردد. در فقه امامیه هیچ یک از این رفتارها مجاز دانسته نشده و از هرگونه خشونت با فرد اگرچه مجرم



است جایز نیست تا جایی که در روایتی آمده است قنبر در حد زدن فردی سهواً سه ضربه شلاق به فرد بیشتر می‌زند و امام با وجود علاقه‌ی بسیاری که به او داشتند دستور دادند این سه ضربه قصاص شود^۱. بنابراین در فقه امامیه هیچگونه رفتار خشونت باری با مجرم بیش از عقوبت مشخصی که شرع یا قانون برای فرد قرار داده است اجازه داده نشده و حرام است، همچنین این خشونت دارای ضمانت اجراهای معمول است.

^۱ . إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَمَرَ قَنْبِرًا أَنْ يَضْرِبَ رَجُلًا حَدًّا فَغَلَطَ قَنْبِرٌ فَرَادَهُ ثَلَاثَةَ أَسْوَاطٍ فَأَقَادَهُ عَلِيُّ (عليه السلام) مِنْ قَنْبَرٍ بِثَلَاثَةِ أَسْوَاطٍ (وسایل الشیعه،



بحث و نتیجه گیری

- ۱- بنابراین برخلاف دیگر دیدگاهها در سایر مذاهب که رفتار خشونت آمیز در دادرسی را لازمه حکومت و از وظایف حاکم می دانند، در فقه امامیه هیچ گونه دلیل، روایت و آرائی مبنی بر جواز رفتار خشونت آمیز با افراد در ضمن دادرسی یافت نشد.
- ۲- بر اساس ادله ی بیان شده، در این ممنوعیت تفاوتی ندارد شخص در مراحل اولیه تحقیقات مقدماتی یا اجرای مجازات باشد بلکه در همه مراحل خشونت جایز نیست.
- ۳- در این خشونت، تفاوتی بین خشونت فیزیکی، زبانی، یا کارهای که به صدمات روحی در فرد بینجامد نیست، بلکه هر کاری که بتواند مصداق خشونت باشد جایز نیست.



منابع

- ۱- ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، ۱۴۱۰، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم
- ۲- ابن روزبهان، فضل الله، ۱۳۶۲، سلوك الملوك، چاپ اول، تهران، انتشارات خوارزمي
- ۳- ابن عابدین، ۱۴۱۵، حاشیه ردالمحتار، طبعه الاولی، لبنان، مکتب البحوث والدراسات
- ۴- بهجت گیلانی فومنی، محمد تقی، ۱۴۲۶، جامع المسائل (بهجت)، چاپ اول، قم، دفتر معظم له
- ۵- تهرانی، سید محمد حسین حسینی، ۱۴۱۸، ولایة الفقیه فی حکومت الإسلام، طبعه الاولی، بیروت، دار الحجّة البيضاء
- ۶- حائری، سید محمد مجاهد طباطبایی، (بی تا)، کتاب المناهل، در یک جلد، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام
- ۷- الحر العاملي، محمد بن الحسن، ۱۳۶۷، قم، مؤسسه آل البيت لا حياء التراث
- ۸- حسینی شیرازی، محمد، ۱۴۲۶، الفقه، السلم و السلام، الطبعه اول، بیروت، الناشر دارالعلوم
- ۹- خمینی، سید روح الله موسوی، ۱۴۲۵، - مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسیلة، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم
- ۱۰- دهخدا، ۱۳۷۳ علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۱- راعی، مسعود، خشونت، ۱۳۸۱، احکام اسلامی و کنوانسیون های بین المللی، نشریه معرفت، دوره ۱۱، شماره ۷
- ۱۲- رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۶، اسلام شناسی و پاسخ به شبهات: دفاع از اسلام و پیامبر صلی الله علیه واله، چاپ سوم، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران
- ۱۳- سبزواری، سید عبد الأعلى، ۱۴۱۳، مهذب الأحكام (للسبزواری)، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله
- ۱۴- شمس، عبدالله، ۱۳۹۵، آیین دادرسی مدنی پیشرفته، چاپ سی ام، تهران، انتشارات دراک
- ۱۵- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، ۱۴۰۰، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی
- ۱۶- کاشانی، حاج آقا رضا مدنی، ۱۴۱۰، کتاب القصاص للفقهاء و الخواص، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم
- ۱۷- گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، ۱۴۱۲، الدر المنضود فی أحكام الحدود، چاپ اول، قم، دار القرآن الکریم
- ۱۸- لانصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵، کتاب مکاسب، چاپ اول، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری



- ۱۹- المتقى الهندي، ۱۴۳۱، علاء الدين على بن حسام الدين، كنز العمال في سنن الاقوال والافعال، بيروت، دار احياء التراث العربي
- ۲۰- مرعشى نجفى، سيد شهاب الدين، ۱۴۲۴، السرقة على ضوء القرآن و السنة، چاپ اول، قم، انتشارات كتابخانه و چاپخانه آية الله مرعشى نجفى - ره
- ۲۱- مرواريد، على أصغر، ۱۴۱۰، الينايع الفقهية، چاپ اول، بيروت، دار التراث
- ۲۲- معين، محمد، ۱۳۸۷، فرهنگ معين، چاپ دوم، تهران، زرین
- ۲۳- منتظرى نجف آبادى، حسين على، رساله استفتاءات، چاپ اول، قم
- ۲۴- مؤمن قمى، محمد، ۱۴۲۲، مبانى تحرير الوسيلة - القضاء و الشهادات، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى قدس سره
- ۲۵- النجفى، الشيخ محمد حسن ۱۳۶۲، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، محقق:عباس محقق قوچانى، چاپ هفتم، بيروت، دار إحياء التراث العربى
- ۲۶- نعمان مغربى بن محمد تميمى، ابو حنيفه، 1385، دعائم الإسلام، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام
- ۲۷- نورى، ميرزا حسين، ۱۳۶۵، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، الاحياء التراث